

Original Article

Ethical Necessities of the Existence of Life after Death in Zoroastrianism and Judaism

Shahnaz Davani Bahran¹, Asgar Bahrami Kahish Nezhad^{2*}, Alaeddin Azari³

1. Ph.D. Student of History before Islam, Faculty of Literature and Humanities, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor of Islamic Council Foundation (Islamic World Encyclopedia), Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: asbahrami@yahoo.co.uk

3. Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 19 Mar 2019 Accepted: 17 Dec 2020

Abstract

Background and Aim: eschatology and the discussions related to the life after death are amongst the most controversial topics in every Religion and creed. These issues also hold true in Judaism and Zoroastrianism each of which has its own specific properties and approaches and even realizes the existence of life after death as an ethical issue for observing the results of one's own deeds and actions. The present study deals with the life after death in Zoroastrianism and Judaism from an ethical perspective.

Materials and Methods: The present descriptive-analytical research has been carried out based on a comparative approach.

Findings: Judaism and Zoroastrianism accept resurrection from ethical perspectives and abundantly emphasize on the continuation of life after death and express that the human beings' actions and behaviors in the material and earthly life directly influence the type, degree and position of the human soul in the life after death. Therefore, justice and ethics require every person to be judged in the other world based on the results of his or her deeds and achieve ranks in proportion to the same deeds.

Conclusion: Zoroastrians realize death as a mischievous thing but belief in the human beings' judgment based on their actions and deeds causes the acceptance of the life after death; the material life's termination also means transferring to the other world. Therefore, the life after death is acceptable ethically and according to the specification of chastisement and reward for the human beings. Judaism, as well, believes that the dead are resurrected and judged and that the Christian soul will capture the other world wherein, as stated by most of the philosophers, soul and body will be united again. Every soul will be judged and, subsequently, receive the reward or chastisement it deserves. Therefore, according to Jews, there should be life after death so that the human beings can be either rewarded or chastised for what they have done in this world.

Keywords: Zoroastrianism; Judaism; Death; Life after Death

Please cite this article as: Davani Bahran S, Bahrami Kahish Nezhad A, Azari A. Ethical Necessities of the Existence of Life after Death in Zoroastrianism and Judaism. *Bioethics Journal*, Special Issue on Citizenship Rights, Autumn 2018; 301-313.

ضرورت‌های اخلاقی وجود حیات پس از مرگ در ادیان زرتشت و یهود

شهناز دوانی بهران^۱، عسکر بهرامی کهیش‌نژاد^{۲*}، علاءالدین آذری^۳

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران قبل از اسلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار بنیاد دایره‌المعارف اسلامی (دانشنامه جهان اسلام)، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: asbahrami@yahoo.co.uk

۳. استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۸ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲۷

چکیده

زمینه و هدف: فرجام‌شناسی و مباحث مربوط به پایان حیات پس از مرگ انسان، از جمله بحث‌برانگیزترین موضوعات مربوط به هر دین و آیینی است. این مسائل در نزد دین یهود و زردشتی نیز صادق است و هر یک ویژگی‌ها و رویکردهای خاص خود را دارد و حتی وجود حیات پس از مرگ را امری اخلاقی برای مشاهده نتایج اعمال انسانی می‌دانند. پژوهش حاضر به حیات پس از مرگ در دین زردشت و یهود از منظری اخلاقی می‌پردازد.

مواد و روش‌ها: روش مورد استفاده در پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و از طریق رویکرد مقایسه‌ای انجام شده است.

یافته‌ها: ادیان یهود و زردشت از منظر اخلاقی، معاد را می‌پذیرند و بر ادامه حیات پس از مرگ تأکید فراوان دارند و بیان می‌کنند که اعمال و رفتار انسان در حیات مادی و دنیوی تأثیر مستقیم بر نوع، درجه و جایگاه روح انسان در زندگی پس از مرگ دارد. بنابراین عدالت و اخلاق ایجاب می‌کند که هر کس در دنیای دیگر بر اساس نتایج اعمال خود قضاوت شود و بر اساس همان اعمال به مراتب متناسب با آن نیز دست یابد.

نتیجه‌گیری: زردشتیان مرگ را امری شرور می‌دانند، اما باور به قضاوت انسان بر اساس اعمال و کردار آنان سبب پذیرش حیات پس از مرگ می‌شود و پایان حیات مادی به معنای انتقال به عالم دیگر است. بنابراین از نظر اخلاقی و با توجه به تعیین مجازات و پاداش برای انسان‌ها، حیات پس از مرگ امری پذیرفتنی است. یهودیت نیز بر این باور است که اموات رستخیز یافته و درباره آن‌ها داوری می‌شود و روح مسیحایی جهان آخرت از فرا خواهد گرفت که در آن به نظر اکثر حکما، اتحاد روح و جسم بار دیگر برقرار می‌گردد. پس از داوری هر نفسی، پاداشی را که سزاوار آن است دریافت می‌کند. بنابراین از نظر یهودیان نیز حیات پس از مرگ می‌بایست وجود داشته باشد تا انسان‌ها سزای اعمال خود را نیز مشاهده نمایند.

واژگان کلیدی: زردشت؛ یهود؛ مرگ؛ حیات پس از مرگ

مقدمه

مرگ یک حقیقت انکارناپذیر است و یکی از موضوعات اساسی در تاریخ بشر بوده است که دیدگاه‌های مختلفی از سوی اندیشمندان و متفکران گوناگون درباره آن ابراز داشته‌اند. به طور کلی دو دیدگاه اساسی در این باره ابراز شده است: گروه اول که مادی‌گرایان هستند و بر نفی حیات پس از مرگ تأکید دارند؛ دیدگاه دوم که بیشتر در نزد ادیان توحیدی دنبال می‌شود و بر این عقیده هستند که مرگ، پایان حیات انسانی نیست و با مرگ، حیات انسانی از بین نمی‌رود. بنابراین با فرض حیات پس از مرگ، آنچه باعث کامیابی و یا محنت انسان‌ها در سرای دیگر می‌شود، اعمال و کردار وی در این جهان هستند. استدلال این دسته آن است که انسان دارای دو بُعد روحی و جسمی است؛ بُعد جسمی شامل آن چیزی است که با مرگ انسان پایان می‌پذیرد و بُعد روانی و غیر مادی انسان، چیزی است که پس از مرگ نیز ادامه دارد و با مرگ از بین نمی‌رود. بنابراین حیات پس از مرگ امری تداوم‌پذیر است (۱).

رویکرد دین زردشت به مسئله مرگ و حیات پس از آن نیز قابل تأمل است. از نظر آیین زردشت که نخستین دین جهانی به شمار می‌رود، مسائلی نظیر حیات عقبی و قیامت، بهشت و دوزخ، بقای روح، مجازات و مکافات و پاداش روز آخرت، اموری مهم پس از حیات انسانی هستند. از این جهت می‌توان مسئله آخرالزمان و حیات پس از مرگ را در این دین مشاهده نمود. مرگ هرچند در دین زردشت، امری شرور و پدیدآورده اهریمن است، اما به معنای پایان زندگی انسانی نیست، زیرا از نظر آیین زردشت، انسان دارای دو بُعد روح و روان است که زندگی جاودانه دارد. بدین ترتیب در نزد زردشتیان مرگ به معنای جدایی روح (به عنوان جزء فناپذیر) از جسم (جزء فناپذیر) است. با فرارسیدن مرگ، روان از جسم جدا خواهد شد و پس از عبور از پل چینود و با توجه به اندیشه و گفتار و کردار هر انسانی، پاداش یا کیفری برای وی در نظر گرفته خواهد شد. نگاه به مرگ در دین یهود نیز دارای ویژگی‌های خاصی است. مطالعه کتب مقدس و تلمود و همچنین آثار مرتبط با آپوکریفاها، میتوان توالی موضوعات و وقایع آخرت

شناسانه را بدین‌نحو ترسیم نمود: پیش از آمدن مسیح از نسل داوود، جنگ جوج و ماجوج آغاز می‌شود و در خلال آن زمان مسیحی از نسل یوسف برمی‌خیزد. این مسیح کشته شده و آنگاه ایلیا ظاهر خواهد شد، تا آمدن مسیحی از نسل داوود را بشارت دهد.

با این حال آنچه به عنوان یک مسأله و دغدغه مطرح شده این است که چه ضرورت اخلاقی وجود دارد که بر اساس آنان، معاد و حیات پس از مرگ در این ادیان امری پذیرفتنی و معقول باشد؟ به عبارتی دیگر، کدام ضرورت‌ها باعث شده تا ادیان زردشت و یهود به حیات پس از مرگ اعتقاد داشته باشند و یا آن را برای انسان ضروری بدانند. همچنین بخش مهمی از دلایل و توجیهاات ادیان برای حیات پس از مرگ آن است که بر اساس آن بتوان با عدالت نسبت به انسان‌ها رفتار نمود و هر عملی، پاسخ متناسب با آن را پیدا کند. استدلال این است که عدالت خداوندی ایجاب می‌کند که حیات پس از مرگ برای پاسخ به کردارها و اعمال انسانی وجود داشته باشد تا هم در این دنیا مانعی برای اعمال قبیح انسانی باشد و هم در دنیای دیگر، هر کس بر اساس اعمال و کردار خود به سزای اعمالش برسد. اهمیت پژوهش حاضر از آن جهت است که بر اساس آن بتوان به تبیین حیات پس از مرگ در دوره معاصر در ادیان مختلف پرداخته شود. همچنین لزوم توجه به اعمال و کردار انسانی برای زیستن اخلاقی در دنیای کنونی ارتباط گسترده‌ای با حیات پس از مرگ دارد. بدین معنا که تبیین حیات پس از مرگ برای مردمان جوامع کنونی می‌تواند به عنوان یک عامل بازدارنده برای جلوگیری از اعمال نادرست و غیر اخلاقی انسان در نظر گرفته شود، ضمن این‌که با تبیین حیات پس از مرگ در نزد ادیان مختلف، مبحث فرجام شناسی و پاسخ به کنجکاوی انسان نیز میسر می‌شود. با توجه به این‌که تاکنون پژوهش مستقلی در این باره ارائه نشده است، مقاله حاضر درصدد مقایسه تطبیقی ادیان یهود و زردشت درباره حیات پس از مرگ است.

در مقام مقایسه و تطبیق اعتقادات یهودی و زردشتی، به دلیل ارتباط معنوی، فرهنگی و سیاسی زردشتیان و یهودیان، با مشابهات متعددی رو به رو هستیم، اما سرنوشت روان در

زردشتی درباره سرنوشت روان پس از مرگ پرداخته‌اند. حسن‌زاده و زهانی (۱۳۹۵ ش.) در مقاله‌ای با عنوان «فرجام‌شناسی زردشتی» این موضوع را در دو مقوله فرجام روان آدمی پس از مرگ و فرجام نهایی جهان بررسی کرده است که هر کدام از آن‌ها به نوبه خود دارای زیرمجموعه‌های دیگری است. اعرابی و معظمی گودرزی (۱۳۹۴ ش.) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی معاد در کتب اوستا، عهدین، تلمود و قرآن کریم با تأکید بر اوصاف و ویژگی‌های بهشت» به این موضوع پرداخته‌اند که مسأله معاد در کتب اوستا، عهدین، تلمود و قرآن کریم صراحتاً ذکر شده‌اند، ولی در اسفار پنج‌گانه تورات سخن صریحی بر این مطلب نیست.

پژوهش‌های ذکرشده به نوعی مسأله فرجام‌شناسی و اعتقادات ادیان را مورد توجه قرار داده و یا با هم مقایسه کرده‌اند. از این جهت، نوعی اشتراک نیز میان پژوهش حاضر و پژوهش‌های مذکور دیده می‌شود، اما تفاوت از جایی شروع می‌شود که ضرورت‌های اخلاقی حیات پس از مرگ به عنوان یک موضوع جدید و در نزد دو دین زردشت و یهود بررسی می‌شود از این جهت پژوهش حاضر، ممتاز و یگانه است.

اصطلاحات و مفاهیم

۱- مرگ

مرگ در لغت به معنای از بین رفتن و فقدان مظاهر حیات است (۲). واژه‌ای که در متون اوستایی در ازای مرگ آمده است، اصطلاح «مهرک» به معنای مردن و یا مرگ آنی و مفاجات است. این اسم در اوستا و سانسکریت از ریشه «مر» است (۳). همچنین اصطلاح دیگری که به معنای مرگ است، «اوشه» است که در فارسی هوش شده و به معنای مرگ است.

۲- زردشت

دین زردشت، برگرفته از نام پیامبر ایران باستان، زردشت است که گستره و قلمرو آن بخش‌های مهمی از جهان باستان را به سیطره خود درآوده بود. برای زردشت چهارده نام برشمرده شده است (۴) که شناخته‌شده‌تر از همه، همان زردشت یا زردشت است. بر اساس متون اوستایی، زردشت از

این دو دین دارای افتراقاتی نیز هست. باید گفت که از این مشابهاست نمی‌توان چنین استنباط کرد که هر دین از ادیان قبل از خود بهره گرفته و تعالیم مذهبی ادیان نتیجه وام‌گیری آن‌ها از یکدیگر است، چراکه این شباهت‌ها نه به علت تأثیرپذیری ارادی پیامبری از پیامبران گذشته، بلکه به سبب وحدت مبدأ وحی در ادیان الهی بوده است. پژوهش حاضر به این مسأله می‌پردازد که با توجه به رویکردهای متفاوت ادیان زردشتی و یهودی به مسأله حیات پس از مرگ، چه ضرورت‌هایی برای پرداختن به این مسأله مطرح می‌کنند؟

محدودیت‌های پژوهش

از جمله محدودیت‌هایی که پیش روی نگارنده بوده است، عدم دسترسی به منابع دست اول و متون دینی و مذهبی مربوط به دین زردشت و یهود است، به علاوه تخصصی بودن متون و عدم ترجمه آنان در کتابخانه‌های داخلی، نگارش برخی مطالب را برای نگارنده دشوار کرده بود. بنابراین تا جایی که امکان آن فراهم بود، نویسنده، از منابع ترجمه شده و متقن برای جمع‌آوری و سپس تحلیل اطلاعات بهره برده است.

پیشینه پژوهش

حاجتی شورکی (۱۳۹۷ ش.) در کتابی با عنوان «معاد در اسلام و آیین زردشت: بررسی پنداره اثرپذیری اسلام از آیین زردشت» بیان داشته است: «در سده اخیر در باب اصل آموزه معاد و جزئیات آن از منظر اسلام شبهاتی مطرح شده که پنداره اثرپذیری از آیین زردشت نیز از جمله آن‌هاست. تقدم زمانی آیین زردشت بر اسلام از یکسو و وجود شباهت‌های ظاهری میان معاد در روایت اسلامی و روایت زردشتی از سوی دیگر، سبب شده است برخی به اثرپذیری اسلام از آیین زردشت در این آموزه حکم کنند. فیلیپ ژینیو (۱۳۹۵ ش.) در کتابش با عنوان «انسان و کیهان در ایران باستان» به بررسی انسان‌شناسی در باورهای ایرانیان باستان پرداخته و ضمن معرفی اجزای هستی انسان به سرنوشت آن‌ها نیز اشاره کرده است. فرودی و حاجیانی (۱۳۹۳ ش.) در کتابی با عنوان «مرگ و آیین‌های آن در میان زردشتیان ایران» به بررسی اعتقادات

حیات پس از مرگ به عنوان بخش مهمی از اعتقادات زردشتیان محسوب می‌شود. به دلیل همین اعتقاد است که برای ارواح مردگان و پدران و نیاکان، مراسم دینی برگزار می‌شود و برای مردگان نیز خیرات صورت می‌گیرد. در جهان‌بینی زردشتی زمان نیز در ارتباط با حیات پس از مرگ نیز قرار دارد. زمان از نظر آیین زردشتی به سه دوره منقسم شده است: زمان اصلی و ازلی که در آن تنها خیر بر خوبی غالب و حاکم بر همه چیز بوده است؛ زمان حاضر که پلیدی و قوای اهریمنی نیز بدان راه یافته و سخت می‌کوشد تا همه مخلوقات پاک و نیک را با لوث وجود خود بیالاید و هر پدیده عالم هستی را با سر خود ممزوج سازد؛ بالاخره زمان آینده که بار دیگر خوبی و خیر چیره خواهد شد و در نهایت خوبی جهان را در بر خواهد گرفت (۶).

۱- لزوم وجود جهان پس از مرگ

دین زردشتی به دلیل این که نخستین مذهب جهانی است، به همین نحو نیز برای پی‌بردن به لزوم وجود جهان پس از مرگ باید سراغ متون دینی زردشتی برویم. شواهد نشان می‌دهند که دین زردشت از مسأله حیات عقبی و مسأله قیامت سخن به میان آورده و مسأله آخرالزمان را به شکل کامل مطرح کرده است. بر حسب تعالیم زردشت، پیامبر ایرانی، چون روزی این جهان به آخر برسد، رستاخیز عالم واقع خواهد شد. در روز رستاخیز، خوبی‌ها و بدی‌ها محاسبه می‌شوند و برای بدکاران و خطاکاران آتشی برافروخته می‌شود و در آن افکنده خواهند شد، اما در مقابل، نیکان و ابرار آتش را گوارا و مهربان می‌یابند و عنصر سوزان بر پیکرهایشان خوش‌تر و گواراتر از شیر می‌شود. با این حال در کتاب گات‌ها این مسأله روشن نیست که آیا خود روان پلید نیز در آتش دوزخ، ابدالابد باقی خواهد ماند یا آنکه از آنجا بیرون آمده، به جایگاه دوزخ می‌روند؟ مطالعه متون زردشتی نشان می‌دهد که پس از مرگ انسان، حیات وی آغاز می‌شود و سرنوشت روان او از آن پس، روشن می‌شود تا آنکه روز رستاخیز در آخرالزمان برقرار می‌شود، البته آیات گات‌ها در این باب بسیار مبهم و ناروشن است و می‌توان چنین برداشت کرد که هر روانی اعم از خوب و بد، در روز قیامت از فراز پل چینود (صراط)، یعنی پل

خاندان سپیتمان (در زبان پهلوی)، نام پدرش پوروشسپ (در زبان پهلوی) و نام مادرش دوغدو (در زبان پهلوی) بوده است. مطابق متون تاریخی، زردشت در سن سی سالگی به پیامبری برگزیده شد و در سن ۷۷ سالگی در بلخ افغانستان و به دست تورانیان کشته شد (۵). دین زردشت مانند سایر ادیان و مذاهب، دارای عقاید، آداب دینی، احکام شرعی و جشن‌ها و مراسم‌های گوناگون است که مرکز ثقل آنان، انجام عبادات در کنار آتش به عنوان امری مقدس است. زردشت به خدای واحد که اهوره مزدا نام دارد، معتقد است. صفات اهوره مزدا در شش فرشته به نام امشاسپندان، تجلی کرده است. دین او بر دو اصل استوار است: یکی «سپند مینو»، یعنی تمام نیکی؛ دیگری «انگره مینو»، یعنی تمام بدی‌ها و پلیدی‌ها.

۳- یهود

یهود، نامی است که برای معرفی سبک زندگی، نگرش‌های مذهبی و باورهای قوم یهود برگزیده شده است. یهودیت اولین دین از ادیان ابراهیمی است و دارای قواعد و اصول خاصی است. در ادیان ابراهیمی از جمله دین یهود، یکتاپرستی وجود دارد، ضمن این که کتاب مقدس یهودیان تورات نام دارد که دیدگاه‌ها و احکام دین یهود نیز از آن استخراج شده است.

دین زردشت و حیات پس از مرگ

برای بررسی دین و آیین زردشت درباره حیات پس از مرگ نیازمند واکاوی متون اوستایی هستیم. با مطالعه این متون روشن می‌گردد که در دین زردشت زندگی پس از مرگ تا قبل از رستاخیز تنها روان حضور دارد و از جسم خبری نیست. به عبارت دیگر روان انسانی پس از مرگ، به حیات خویش ادامه می‌دهد و تا زمانی که روز رستاخیز فرا برسد، جسم و روان به عنوان ابعاد مادی و غیر مادی انسانی در کنار هم حضور دارند. اغلب محققان و نویسندگان زردشتی نیز به این مسأله توجه نشان دادند که در روز محکمه و داوری اعمال فردی و مشاهده کیفی و پاداش انسانی، روان به تنهایی حضور دارد (۵). بنابراین نوعی رویکرد معاد در آیین زردشت دیده می‌شود که همان باور به مشاهده نتایج اعمال انسانی است. روح از نظر آیین زردشتی، میل به جاودانگی دارد و وجود

ویژه شنوایی و فرمانبرداری از فرمان‌های ایزدی و سخن خداوندی نام یکی از بزرگ‌ترین مینو در دین مزدآپرستی و نهاد شنوایی و فرمانبرداری و تجسم پرهیزگاری و درستکاری است. سروش در آیین زردشتی، در شمار امشاسپندان دانسته شد و نام آن در اوستا غالباً با صفات پارسا، پرهیزگار و پاک و نیک، پیروز، بخشنده پاداش نیک، توانا و دلیر، سخت رزم افزار، برومند، تنومنتره، جهان آرا و پاکی اهورا و سالار آفریدگان اهوره مزدا آورده شده است (۸).

سروش در آیین زردشت خاصیتی تصاعدی و رو به فزونی دارد، زیرا از نظر زردشتیان، سروشه (سروش) به تعداد امشاسپندان افزوده گشت تا ساخت هفت‌گانه سلسله مراتب ایزدی را تکمیل نماید. بدین ترتیب درباره معنای سروش باید چنین گفت: سروش به معنی اطاعت یا انضباط از چهره‌های محبوب زردشتی حاضر در همه آیین‌های دینی و منتقل‌کننده دعاها می‌باشد. در سروده‌ها از او به عنوان سرور آیین‌های دینی، یاری می‌طلبند. همچنین سروش با دروغ مبارزه می‌کند و از بین‌برنده دروغ است. علاوه بر این، سروش مختلف سرسخت خشم است و در نبرد با نیروهایی که شر می‌آفرینند، پیروزی به بار می‌آورد، هرچند خصوصیات سروش، انتزاعی است، اما در هر حال نشان‌دهنده مبارزه با پلیدی و زشتی از جمله دروغ و خشم است. خانه‌اش هزار ستونی در بالاترین قله البرز قرار دارد و نام‌های نیروهای ایزدی مانند بهمن (اندیشه نیک) سروش (اطاعت) (۹)، اما به هر حال از آن پس، سروش در آیین‌های ایرانی مقامی بالاتر پیدا کرد و دائماً رو به فزونی قدم نهاد و در نزد آیین متحول‌شده زردشتی در دوره‌های اشکانی و ساسانی هم در آیین مانی و هم در آیین زروانی نیز وجود داشته و مورد توجه قرار می‌گرفت.

۳- جایگاه سروش در دین زردشت

در آیین زردشت، زردشتیان در تمام سال و مخصوصاً در شب‌ها، پیش از آنکه به خواب بروند، سروش باژ را در هر بامداد می‌خوانند. همچنانکه کلیه دعا‌های زردشتی با سروش باژ آغاز می‌شود. مخصوصاً در ادعیه مراسم وفات این دعا خوانده می‌شود و به همین جهت باید گفت که سروش جداگانه قابل ستایش است و می‌بایست همراه با هرمزد نه با

جداکننده عبور خواهند کرد. این پل بر روی دوزخ قرار دارد و یک در آن به دروازه بهشت منتهی می‌شود. در روی پل چینود، نامه اعمال روح خوانده می‌شود و همه اعمال و کارهای انسان در دو کفه ترازو قرار داده می‌شود که شاهین در دست اهوره مزداست. در روز محاسبه اعمال اگر خوبی‌های انسان بر بدی‌هایش غلبه کند، به سوی بهشت رهسپار می‌شود، اما اگر کفه بدی‌ها بر خوبی‌ها بچربد، انسان به قعر دوزخ افکنده می‌شود. بنابراین نامه اعمال هر انسانی نشان‌دهنده آن است که آیا از پل چینود عبور می‌کنند و یا این‌که در اعماق هاویه می‌افتند. همانطور که زردشت نیز در این‌باره می‌گوید: اراده هر آدمی تنها عامل تعیین سرنوشت نهایی اوست و بس (۷). روان انسانی اگر با اعمال پلید به پل جداکننده برسد، دچار عذاب می‌شود و در خانه دروغین زندانی می‌شود و فرد گناهکار به دلیل اعمال زشت خود به سوی سرنوشت شوم خود می‌رود.

۲- زندگانی پس از مرگ

با ملاحظه متون اوستایی، به ویژه هادخت نسک و متون پهلوی، روشن می‌گردد که در دین زردشت، حیات پس از مرگ تا قبل از رستاخیز تنها روان حضور دارد و از جسم خبری نیست. به عبارت دیگر روان به تنهایی و بدون حضور جسم به حیات خود ادامه می‌دهد و منتظر روز رستاخیز می‌ماند، زیرا در روز رستاخیز جسم و روان با یکدیگر حاضر می‌شوند. در کتاب روایت امید اشوهیشتان درباره وضعیت شخصی که می‌میرد چنین آمده است که جسم شخص متوفی روی زمین باقی می‌ماند و بخشی از آن با آب مخلوط می‌شود و بخش‌های دیگر آن نیز با نباتات و بخش دیگر در هوا می‌ماند. روح انسان‌ها برای داوری الهی که در پل چینود در روز چهارم پس از فوت صورت می‌گیرد، به ملکوت می‌رود. بنابراین در روز سرنوشت و قیامت، روان به تنهایی حضور دارد (۵). همین مسائل باعث شده تا از منظری اخلاقی به این مسأله توجه نشان داده شود که محاسبه اعمال انسان‌ها در نزد آیین زردشتی امری مهم است.

در مسأله ضرورت اخلاقی حیات پس از مرگ در نزد زردشتیان، سروش پاسبان نقش مهمی ایفا می‌کند. سروش در اوستا از ریشه سرو به معنی شنیدن شنوایی و فرمانبرداری به

سرخیز و فرشته شب‌زنده‌دار، بامدادان، مردمان را برای ستایش خداوند بیدار می‌کند، حتی عقیده بر این است که سروش اولین کسی بود که مراسم مذهبی و پنج‌گات‌های زردشت را به جا آورد و آنان را سرود (۱۹).

اخلاق حاکم بر حیات انسانی در نزد دین زردشت چنین ایجاب می‌کند که سروش وظیفه حراست از جهان مادی انسانی را بر عهده دارد و همه شب نزد مردم می‌آید تا دیوان نتوانند بر آنان غلبه کنند. دیوها از ترس سروش به سمت دوزخ فرار می‌کنند. با توجه به همین وظیفه، سروش حتی روان را پس از مرگ نیز همراهی می‌کند (۲۰). سروش همچون مادر یا پرستاری همراه و دلسوز، انسان را وارد دنیای دیگری می‌کند تا از شر اهریمن به دور باشند (۲۱)، حتی گفته می‌شود که سروش در جرگه داوران پس از مرگ و همراه انسان است و در صبح دم روز چهارم مرگ نیز همراه انسان است (۱۵). زردشتیان درباره جایگاه سروش چنین می‌گویند: در سروش روز (روز هفدهم)، رستگاری روان خویش بخواه (۹). به خاطر همین مسأله است که نساسالاران بعد از قرار دادن تابوت در محفظه مرگ، به همراه آن دعای سروش باج را قرائت می‌کنند (۱۷)، ضمن این‌که در روزهای اول پس از مرگ، دعاهایی در خطاب سروش قرائت می‌کنند که روان را در پناه خود بگیرد و از شیطان و سه یارانش دور شوند (۲۱). به علاوه این‌که قبل از سپیده‌دم روز چهارم مراسم خاصی برگزار می‌شود که در بزرگداشت آیین سروش به اجرا درمی‌آید و در همه حال از سروش برای پاک‌کردن روح و روان استمداد طلب می‌شود و در داوری نهایی میترا و سروش و رشن با ترازویی زرین، روان را مورد قضاوت پایانی قرار می‌دهند (۲۱). در آیین مانی نیز عقیده بر این است که سروش با کشیدن روان به سوی خویش، همانند یک جذب‌کننده قوی، انسان را در عروج خود یاری می‌رساند که در واقع مقصود همان روان انسانی است و از روان نگاهداری می‌کند. وظیفه دیگر سروش این است که در روز محکمه روان همچون یک داور حضور دارد و با هدایت درست، وی را در مسیر اصلی خویش یاری می‌رساند (۲۲). علاوه بر حراست از روان، جنگجو بود، پاسداری از درست اندیشان و درست‌کرداران و همچنین نبرد

امشاسپندان و ایزدان آن را ستایش کرد (۱۰)، زیرا سروش خدای و دهبده جهان است. باج سایر ایزدان چهار درون است (درون: نانی که توزیع می‌شود)، اما برای سروش شش نان لازم است (۱۰). در بندهشن آمده است که پس از آفرینش شش امشاسپند، هفتم خود هر مزد، هشتم راستگویی و نهم سروش پرهیزگار آفریده شد. پیش از رشن و مهر و نریوسنگ (۱۱). در گذشته نیز زردشتیان موقع خوردن آیینی گوگرد در آتشکده (آزمایش باستانی بر آتش) مهر و سروش و رشن را شاهد راستی گفتارشان می‌گرفتند (۵). پاسبانی روز هفدهم از هر ماه به او سپرده شده است (۱۲). اشی و نریوسنگ در ویسپرد ستوده می‌شوند (۱۰).

با این حال، وظیفه رسیدگی نهایی، بر عهده خود زردشت واگذار شده است که هومنه و یا خود اهوره مزدا می‌باشد، مخصوصاً این‌که سروش به عنوان داور و حکم نهایی عمل می‌کند (۱۳). در آیین زردشتی، سروش پسر اهوره مزدا در نظر گرفته شده است (۱۴). در وصف سروش نیز گفته شده که بر فراز کاخی قرار گرفته که هزاران ستون دارد و خود به خود نمایان است. همچنین دارای گردونه‌ای تیزرو با چهار اسب نر و دارای سمهای زرین نیز می‌باشد (۱۵). در متون اوستایی، سروش در همه جای جهان حضور دارد، البته در متون جدید پهلوی بیش از همه در دو کشور از هفت کشور اساطیری، یعنی ارزه و سوه حضور دارد (۱۶)، حتی در متون زردشتی، پیام‌رسان سروش با جبرئیل در اسلام یکی دانسته شد (۱۷). این رویکرد نشان‌دهنده زمینی و این جهانی بودن سروش است که می‌بایست در مراسم عبادی صحیح به جا آورده شود و واسطه میان انسان و خداوند است که در واقع پاسخ انسان به کلام خداوندی نیز محسوب می‌شود (۱۸). سروش در متون اوستا به همراه مهر و روشن می‌آید، سروش و ورشن به ترتیب در سمت راست و چپ مهر قرار می‌گیرند. سروش، رشن و مهر فرزندان اهورامزدا به شمار می‌روند و سروش غالباً از فرزندان مزدا پاسبانی می‌کند و ضد دیو و دروغ است، همچنانکه گفته شد با دیو خشم می‌ستیزد، اما سلاح سروش برای مبارزه با دروغ و خشونت، سلاح مادی نیست، بلکه دعا و نیایش است. دعا و نیایش تا جایی مهم است که از طرف سروش، مرغ

می‌کنند. به هر حال شاید بتوان بین اوستای متقدم و متأخر اصلی به این صورت جمع کرد که داور اصلی خود اهورامزدا است که در زیر دست وی دستیاران و اوامری نیز وجود دارد، همچنانکه سه ایزد سروش و مهر و رشن نیز چنین وظیفه‌ای دارند. در مینوی خردنیز از سه ایزدمهر و سروش و رشن به عنوان قاضی نام برده شده که اعمال خوب و بد مردم را پس از عبور با ترازوی مینوی می‌سنجند و برای همه مردم بر مبنای عدالت رفتار می‌کنند (۲۰).

سنجش، مجازات و کیفر اعمال نیز بخش مهم دیگری از ضرورت اخلاقی وجود معاد و حیات پس از مرگ در دین زردشت است، زیرا در دین زردشتی هیچ عملی اعم از نیک و بد، بدون اجر و پاداش یا کیفر نخواهد بود. به گفته محققان زردشتی، کیفر و پاداش نیز در کیش زردشت، جنبه معنوی و روحانی دارد، نه جنبه مادی و جسمانی (۲۴)، هرچند محتوای کیفر و جزئیات آن در دین زردشت چندان محل توجه نیست و تنها گفته شده که نیکوکاران دارای زندگی توأم با شادی دارند و مجرمان نیز دچار عذاب خواهند شد (۲۵)، حتی گفته شده است که برای برخی از گناهان نیز عذاب‌های معین، در نظر گرفته شده است (۲۶). در هر صورت ویژگی مهم دوزخ بهشتی، تاریکی و اندوه است که نصیب گناهکاران می‌شود. بنابراین دوزخ بیشتر امری ذهنی و روحی است و چون آتش امری مقدس نزد زردشتیان است هرگز برای عذاب از آن استفاده نمی‌شود (۲۷)، هرچند این رویکرد در تعارض با رویکرد دیگری است که در متون پهلوی دیده می‌شود و بر این عقیده هستند که برای روان نیکوکار پس از داوری فردی، خوشترین خوراک‌ها از جمله روغن بهاری و برای روان گناهکاران، بدترین خوراک‌ها از جمله زهر، زهر مار و کژدم و دیگر جانورانی که در دوزخ هستند به وی می‌دهند (۲۰). به عبارتی دیگر این عذاب و نعمت‌های یادشده با جسمانی بودن سازگار است و با روحانی بودن انسان سازگار نیست. هینلز نیز به این نکته پرداخته و می‌نویسد: «هم بهشت و هم دوزخ (در جهان پس از مرگ نه داوری نهایی)، با کلمات مربوط به ماده توصیف شده‌اند. بهشت در بالای زمین است و دوزخ در زیر زمین. خوشی‌ها و رنج‌ها نیز با کلمات مربوط به جسم توصیف

با نیروهای تاریک و دیوها از جمله صفات سروش محسوب می‌شوند. بنابراین سروش دارای جایگاه والایی است که برای شکستن قدرت اهریمن و غلبه خوبی‌ها بر بدی‌ها فعالیت می‌کند. در تقابل دوگانه اهریمن و سروش، اهریمن و آز در یک طرف هستند و در طرف دیگر نیز اهرمزد و سروش قرار دارند که تقابل نیکی و بدی نیز به شمار می‌رود. سروش متقی و میان‌رو است، یعنی مینوی تعادل است و دشمن وی نیز افراط و تفریط هستند. در این نبرد وقتی که پیمان شکسته شود و اهریمن پشت کند، سروش و اهرمزد پیروز می‌شوند. پس از گذشت نه هزار سال، اهریمن از فعالیت بازمی‌ایستد و سروش مقدس خشم را می‌زند (۲۳). مقام سروش آنچنان زیاد است که برخی از وظایف دیگر خدایان نیز به وی اعطا شده است، همچنانکه مهر جایگاه مقتدرانه خود را در یک مراسم عبادی به سروش تقدیم نمود. به عنوان مثال ویژگی‌های مشترک میان میثره و سروش نشان‌دهنده آن است که ویژگی‌های میثره به سروش انتقال پیدا کرده است (۱۸). علاوه بر میثره، سروش وظیفه مهر را که پاسداری از پیمان میان مینوی نیک و بد است، بر عهده گرفته است، مثلاً در یشت یازدهم آمده که سروش سرور راستی را می‌ستاییم که آشتی‌ها و پیمان‌های میان دروغ و سپندترین بوده‌ها را می‌یابد. از طرف دیگر سروش به یاری آفریده‌های اهورا می‌آید.

۴- محاسبه اعمال در دین زردشت؛ اصلی اخلاقی

بنا بر مستندات زردشتی قضاوت و بررسی حساب اعمال افراد در روز رستاخیز در دو مرحله صورت می‌گیرد: یکی داوری انفرادی؛ دیگری داوری عمومی. داوری انفرادی پس از مرگ شخص و ورود به جهان پس از مرگ بر روی پل چینود (صراط) انجام می‌شود. با توجه به متون دینی زردشتی، در روی پل صراط چیزی شبیه دادگاه تشکیل می‌شود، برحسب اعمال انسان نسبت به پرونده وی قضاوت می‌شود، هرچند درباره تعیین داور این پل میان متون زردشتی اختلاف وجود دارد. به فرموده آذر گشسب بنا بر گاهان (۷، ۴۶) خود اهوره مزدا داور یا قاضی بوده، اما در اوستای متأخر سه ایزد به نام‌های سروش و مهر و رشن مسؤولیت داوری را بر عهده می‌گیرند و به عنوان داور در روی پل چینود انجام وظیفه

در هر صورت با پذیرش روح پس از مرگ در دین یهود، بررسی و واکاوی اعمال انسانی نیز قرار داده می‌شود، زیرا از نظر دین یهود، خدای واحد قدوس، روح را به بدن منتقل می‌سازد و هر دو یعنی روح و جسم، به منزله واحد مورد داوری قرار می‌گیرند، زیرا همواره با هم بوده‌اند. سرانجام داوری نیز هم برای جسم و هم برای روح است که با ورود انسان در جهان آتی و برخورداری وی از حیات جاوید حاصل می‌شود یا در سوی مقابل، راه شقاوت در پیش روی وی قرار دارد و با فرود آمدن در مرگ ابدی، تنبیه می‌شود که وارد شئول می‌گردد. این رویکرد نشان از عقیده راسخ‌گوینده به رستاخیز جسم است، اما درباره مکان و زمان این رستاخیز و این‌که چه کسانی را شامل می‌شود در بین ربی‌ها توافق نظر وجود ندارد (۲۹) و دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه بیان شده است.

گناه در دین یهود دارای مراتب و درجاتی است و اصل اخلاقی ایجاب می‌کند که موارد و مصادیق آن روشن شود. گروهی بر این عقیده‌اند که این تأکید باید محدودتر شود، زیرا برخی از گناهان آن چنان شنیع هستند که حتی فرد متعلق به قوم اسرائیل را نیز از حق حیات ابدی محروم می‌کنند و عواقب زیادی نیز در انتظار گناهکاران است. برخی از گناهان شنیع، شامل انکار رستاخیز جسم و این‌که تورات در این‌باره تعلیمی ندارد، است. علاوه بر این مورد، انکار این‌که تورات دارای منشأ الهی است. بنابراین کسی که گناهان شنیع را مرتکب می‌شود، سهمی در جهان آتی ندارند. تنبیه کسانی که اعمال شنیع انجام می‌دهند، شاید فقط شامل مرگ و عدم دسترسی به زندگی در جهان آتی است. به این نحو که روح جدا شده و در انزوا می‌ماند تا در نابودی کامل قرار گیرد. در این‌باره برخی از ربی‌ها به این مسأله توجه نشان دادند که ارواح شریران نیز از حیات پس از مرگ برخوردار خواهد شد. قلمرو این زندگی در گهنه، یعنی حوزه کیفی و مجازات قرار دارد و این امکان وجود دارد که یک دوره مجازات طولانی و دردناک باعث ندامت و اصلاح آنان گردد و باعث بازگشت آنان شود. می‌توان گفت که گهنه ممکن است موقتی و یا دائمی تلقی شود (۲۹).

شده‌اند. تأکید شده است که این خوشی‌ها و رنج‌ها از آنچه در این جهان می‌بینند، افزون‌تر است و چون در نظر بگیریم که تأکید می‌شود که این رنج‌ها و خوشی‌ها را روان می‌بیند، می‌توانیم حدس بزنیم که گمان می‌کردند در این دوره پس از مرگ، روان رنج‌ها و خوشی‌ها را به صورت روحانی می‌بیند گر چه زبانی برای بیان آن وجود ندارد» (۹).

حیات پس از مرگ در دین یهود

در بررسی و مطالعه دین یهود نیز به موارد مختلفی درباره حیات پس از مرگ و نحوه زیستن انسان مطرح شده است که به برخی از مهم‌ترین آنان پرداخته می‌شود.

۱- دین یهود و حیات پس از مرگ

مراسم مربوط به روان درگذشتگان و شیوه‌های تدفین در دین یهود نشانگر توجه آنان به ضرورت حیات پس از مرگ است. در یهودیت متاخر این مسأله مطرح است که آنچه به دست خدا هنگام مرگ قبض می‌شود، گم یا نابود نمی‌شود، بلکه در سرای دیگر حضور پیدا می‌کند و پاسخ اعمال خوب و بد خود را نیز دریافت خواهد نمود. این اعتقاد را می‌توان به روشنی در دعای یهودیان نیز مشاهده نمود که بیان می‌کنند: ای خدای من، جان و روانی که تو به من بخشیدی پاک است، تو خالق اویی، تو مصور اویی، تو او را در من دمیده‌ای، تو او را در من نگاه داشته‌ای و تو او را از من قبض خواهی کرد، اما در روز بازپسین تو او را دوباره به من برخواهی گرداند. این دعا نشان می‌دهد که نفس قبل از بدن و جسم نیز وجود داشته است، زیرا از سوی خداوندی می‌آید و به بدن بخشیده شده است. بنابراین بازگشت آن به سوی خالقش یعنی خداوند، پذیرفتنی است. در همین راستا، برخی اعمال مربوط به آیین یهود بدین ترتیب است:

- حضور افراد فامیل در کنار محتضر.

- خواندن قسمت آخر شما (Shema) در کنار محتضر.

- همراهی جسد تا دفن در قبر.

- شیوه (مراسم هفت).

- هیرزیت (مراسم سالگرد) (۲۸).

۲- داوری در دین یهود

متون مربوط به حیات پس از مرگ در دین یهود چندان روشن و گویا نیستند. تنها اثری که آن هم دارای نکات غیر واضح بسیاری در این زمینه است، مجموع متون اخنوخ است. اثر مزبور که تألیف آن احتمالاً به قرن سوم قبل از میلاد بازمی‌گردد، داستان سرگردانی‌های روحانی اخنوخ در عوالم شئول (گهنه) و بهشت (فردوس) را بازگو می‌کند. اخنوخ در این سفر، همراه با چند فرشته مقرب به نام‌های رفائیل، اورئیل، جبرئیل و میکائیل است که وی را راهنمایی می‌کنند. وی ابتدا از شئول یا عالم بد و گهنه دیدن می‌کند که ارواح مردگان که اینک از بدن‌های آن‌ها جدا هستند، در آنجا جمع شده‌اند و در انتظار روز داوری نشسته‌اند، سپس اعمال آنان در ترازو سنجیده می‌شود، زیرا در روز رستاخیز، بدن‌ها با ارواح متحد می‌شود. بنابراین هر آنچه در زمین است و هر آنچه مربوط به شئول است، دوباره بازخوانده می‌شوند. اخنوخ در این اثر و در سفر خود می‌آموزد که پس از داوری، نجات تنها از آن کسانی است که در زمره نیکان و برگزیدگان هستند. پس از داوری، ارواح نیکان با گذر به سوی «مسکن مقدس» که نیکی چون آب در آن جاری است، پاداش داده می‌شود. نیکوکاران در حیات جاویدان سرشار از لطف و صلح و صفا زندگی می‌کنند. همانند آنچه در توصیف بهشت بیان شده است.

۳- سرنوشت روان در دین یهود

فصول آغازین سفر پیدایش (Genesis)، خلقتی را شرح می‌دهد که در آن هماهنگی حکم فرماست. خداوند هرچه را ساخته بود مشاهده نموده و به راستی بسیار نیکو بود (۳۰)، اما بعداً نافرمانی شروع شد و به دنبال این نافرمانی‌ها مسأله مرگ مطرح گردید و خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است و هر تصور از خیال‌های دل وی دائماً محض شرارت است. و خداوند پشیمان شد که انسان را بر زمین ساخته بود و در دل محزون گشت (۲۹) و چون مرگ در اختیار خداوند است او تصمیم گرفت که کیفر مرگ را مطلق سازد. خداوند گفت: سطح زمین را از انسان، آفریده و مخلوق خودم و همچنین از حیوانات، حشرات و پرندگان آسمان آزاد و خلاص خواهم کرد، زیرا از ساختن ایشان متأسفم (۲۹).

از این دیدگاه مرگ نوعی کیفر است که خداوند به علت نافرمانی بشر وضع کرده است، اما بعداً به دلیل این‌که نوح مورد پسند یهوه قرار گرفت (۳۰). با عهد و پیمان‌هایی (Covenants) که با نوح بسته شد کار خلقت ادامه یافت، این پیمان‌ها بین خداوند و فرزندان یعقوب تکرار گردید، بدین صورت که آن‌ها با خداوند عهد و پیمان بستند که زندگی‌شان را با هدایت، تعلیم و فرمانی که خداوند به آن‌ها برای تشکیل زندگی واگذار نموده و در تورات آمده تکمیل کنند. در تحقق این شرایط است که سند عهد بین خداوند و قومش (یهود) برقرار گردید (۳۰).

اما چرا این پیمان فقط از یک قوم خاص گرفته می‌شود؟ این امر برای اصلاح اوضاع همه بشر است، اما اینجا خداوند قصد می‌کند به علت وفاداری و صداقت این قوم خاص پیمان را از آن‌ها آغاز کند و با این کار خداوند نمایی در مقیاس کوچک را ارائه می‌دهد تا الگویی برای همه بشریت ترسیم نماید، هرچند تورات برای بنی اسرائیل زبان عشق است. آن راه بله گفتن به خداوند و رؤیای تجدید بهشت، بر روی زمین است، اما در سرتاسر این کتاب هیچ پیمان و عهدی وجود ندارد که اگر مردم فرمانبردار باشند واقعیت مرگ حذف و یا مسکوت خواهد ماند. بنابراین آن‌ها فرزندان آدم باقی می‌مانند (یعنی گرچه آدم بر اثر نافرمانی باعث شده خداوند مرگ را برای بشر وضع کند، اما اگر بشر مرتکب هیچ‌گونه نافرمانی نیز نشود کیفر مرگ از او برداشته نخواهد شد). به همین دلیل است که فراز «فرزند آدم، تقریباً همیشه در زمینه‌هایی که ضعف و فنای بشر را تأکید می‌کنند می‌آید، مثلاً بر روسا (شاهزادگان) توکل نکنید و نه بر فرزند آدم که در نزد او هیچ کمکی وجود ندارد. او روحش را از دست می‌دهد و به زمینی که از او بر آمده برمی‌گردد (۳۰).

۴- ضرورت اخلاقی حیات پس از مرگ در یهود

فرقه‌های یهود درباره حیات پس از مرگ و لزوم وجود آن بر این باور هستند که ارواح می‌توانند از یک بدن به بدنی دیگر انتقال یابند. این قانون با عنوان گلیگول یا تناسخ ارواح خوانده می‌شود. مسأله تناسخ هم با عنوان نوعی مجازات و هم با عنوان نوعی رحمت از سوی خداوند در نظر گرفته می‌شود.

تطهیر شود، می‌تواند به باغ عدن بازگردد و در صورت ارتکاب گناهان شنیع، گهنة مسکن ابدی نفوس خواهد بود.

نتیجه‌گیری

حیات پس از مرگ از دیرباز یکی از رموز و ابعاد ادیان و فرقه‌های مذهبی در سراسر هستی عالم بوده است. بر همین اساس، ادیان الهی با تبیین نظم و هدف در امور عالم و بر مبنای این‌که هر عملی، دارای نتیجه خاصی است نسبت به وجود حیات پس از مرگ و پذیرش آن از سوی پیروانشان تأکید دارند. دین زردشت و یهود نیز دارای چنین رویکردی هستند و با این استدلال که اعمال و کردار انسان‌ها، الزاماً نیازمند مشاهده نتیجه خود هستند، حیات پس از مرگ را راهی برای مشاهده اعمال انسانی در نظر می‌گیرند. هر دو دین بر امر عدالت و دستیابی هر کس به نتیجه اعمالش، حیات پس از مرگ را می‌پذیرند و این‌گونه است که انسان‌ها بر مبنای عدالت و قرارگرفتن در مراتب جهان پس از مرگ بر مبنای کردار خویش قضاوت می‌شوند. بنابراین حیات پس از مرگ در نزد ادیان زردشت و یهود، اخلاقی هستند و اخلاق انسانی حکم می‌کند که در سرای دیگری، سزای اعمال انسانی قابل پیگیری باشد. علاوه بر این، زندگی دنیوی و حیات مادی انسان نیازمند مناسبات اخلاقی است و مادامی که انسان‌ها، سرای دیگری را در پیش روی خود می‌بینند، مواظب رفتار و کردار خویش هستند و همواره خود را در برابر خدای خویش و اعمال خویش مسؤول تلقی می‌کنند. بنابراین به شکلی اختیاری و حتی ترس از اعمال ناشایست، انسان را به رفتاری اخلاقی و عمل بر مبنای اخلاق سوق می‌دهد. این نتیجه برای دین زردشت و یهود صادق است و اصول اخلاقی زیربنای نظام عادلانه و حیات پس از مرگ در دین یهود و زردشت به شمار می‌روند. مبانی عقیدتی زردشتی درباره حیات پس از مرگ و زندگی در حیات جاودانه، اعتقاد و باوری است که انسان را ملزم به رعایت تعالیم مذهبی می‌کند و درصدد راه پیدا کردن به سوی نیکی و دوری از رذیلت‌هاست. بنابراین هم سزای عمل نیکوکاران و هم سزای عمل بدکاران در دین زردشت به صورت دوگانه خیر و شر قابل مشاهده است. تمایل و تشویق

رحمت از آن روی نامیده می‌شود که حتی کسانی که رابطه خود را با خداوند قطع کرده‌اند، فرصتی برای بازگشت به سوی خداوند برای آنان بازگذاشته شود. نوع دیگری از تناسخ در یهودیت وجود دارد که به ایبر و دیب بوک معروف است. ایبر به معنای بارورشدن است، یعنی روح دیگری به وجود شخص دیگری وارد شود تا عمل و یا خصوصیت خاصی را در وی تقویت نماید. دیب بوک نیز به معنای روح فرد شریر و گناهکار است که همچنان در قالب تناسخ ارواح در نزد دین یهود وجود دارد (۳۱). در حقیقت ایبر، به معنی بارورکردن و عبارت است از ورود روح دیگری در وجود شخصی تا عمل یا ویژگی خاصی را تقویت کند و دیب بوک عبارت از ایبر روح فرد شریر و گناهکار است. اعتقاد به تناسخ ارواح در یهودیت هنوز زنده است (۳۱).

امروزه یهودیان سخت به رستاخیز باور دارند و تأکید بر مجازات جداگانه برای نیکان و بدسرشتان و همچنین بازگشت به سوی خداوند نشان می‌دهد که حیات پس از مرگ امری اخلاقی و حتی مؤید عدالت در آیین یهود است. این مطلب را میتوان در کتاب عوالم ایمان و همینطور کتاب داستان‌های هازیدیسمی آنجا که داستان اسپیرا را نقل می‌کند، مشاهده نمود (۳۱). توصیفاتى درباره وصف بهشت برین از قبیل وجود درختان سرسبز و نهرهای روان و میوه‌های رنگارنگ نشانگر حیات پس از مرگ و آرامیدن در کنار خالق هستی است. در وصف محل نیکوکاران چنین بیان شده است: جویبارهایی از شیر و عسل و روغن و شراب که از ریشه‌های آن درخت جریان دارد و وجود هزاران فرشته که با جاه و جلال مراقب باغاند. از سوی دیگر گناهکاران که هیأت داوری را تجربه نکرده‌اند، اما پس از داوری به سوی کیفری در شئول کشیده خواهند شد و ثمره اعمال خود را نیز خواهند دید. آن‌ها در حالی که برای ابد نفرین می‌شوند در ورطه‌ای پر از عذاب و رنج خواهند بود تا اصل اخلاقی متناسب‌بودن اعمال و پیامدهای انسانی روشن گردد. قانون تعیین‌شده برای دین یهود، نه‌تنها شامل گناهکاران غیر یهود، بلکه شمار زیادی از بنی‌اسرائیل را نیز دربر می‌گیرد. در صورتی که روح در گهنة

انسان به سوی خوبی و نیکی در دین زردشت نشانگر آن است که انسان، سختی‌ها و محنت‌های زودگذر گیتی را در برابر پادشاهی‌ایی که در جهان مینوی بدو ارزانی خواهد شد، تحمل می‌کند، همچنانکه اعتقاد به بقای روح و حیات پس از مرگ است که یک زردشتی مؤمن را وامی‌دارد تا تمامی دستورهایی عملی و فرایض دینی را که بر هر روی هر مراسم گوناگون و بی‌شماری را دربر می‌گیرد، از قبیل مراسم مفصل عبادت و نیایش‌ها و جشن‌های فراوان همراه با میزبانی‌ها و مراسم تقدیر و همچنین انجام فرایض دینی در مواقع معین روز و ماه و سال و دادن هدایا و فدیة‌ها و اعانات فراوان و نظایر این‌ها را انجام می‌دهند. رویکرد اخلاقی مزبور در دین یهود نیز کاملاً نمایان است، زیرا در دین یهود نیز، پس از داوری هر نفسی، پاداشی را که سزاوار آن است دریافت می‌کند. به نظر برخی ربی‌ها ارواح نیکان پادشاهی نهایی و منزل ابدی را در حالت جدایی از جسم دریافت می‌دارند و از دید بعضی دیگر این کل وجود شخص عبارت از جسم رستاخیز یافته در اتحاد با روح است که در جهان آتی از حیات ابدی برخوردار می‌گردد. مهم است که در هر دو صورت باور به نوعی بقای شخص وجود دارد. تنبیه گنهکاران آن است که آنان به این حیات ابدی در جهان آتی دست نمی‌یابند، بلکه جدا می‌افتند و می‌میرند. آنچه در وصف شئول بیان شده است، ناظر بر وضعیت گنهکاران در دین یهود است.

References

1. Peterson M, Hasker V, Bazinjer D. Religious Reason and Belief: An Introduction to the Philosophy of Religion. Tehran: Publisher Tarh No; 2011.
2. Moin M. Persion Culture. Tehran: Publisher Amir Kabir; 1989.
3. Dekhoda AA. Dictionary Dekhoda. Tehran: Publisher university of Tehran; 2000.
4. Razi H. Encyclopedia of Ancient Iran from the Avestan era to the end of the Sassanid era. Tehran: Publisher Sokhan; 2002.
5. Bois M. Zoroastrians. Translated by Bahrami A. Tehran: Publisher Ghoghnoos; 2002.
6. Bagheri M. Religions of Iran Anceint. Tehran: Publisher Ghatreh; 2019.
7. Nas J. Comprehensive history of Religions. Tehran: Publisher Education Islamic Revolution; 1993.
8. Dostkhah J. Avesta: The oldest Iranian songs and texts. Tehran: Publisher Morvarid; 2010.
9. Hilnz J. Understanding Iranian Mythology. Tehran: Publisher Cheshmeh; 1992.
10. Mirfakhraei M. Pahlavi Narrative. Tehran: Publisher Reasercher Culture; 1987.
11. Bahar M. Asian Religions. Tehran: Publisher Cheshmeh; 2010.
12. Gaviri S. Ananhitā in Persian Myths. Translated by Rahnama T. Tehran: Publisher Jamal Alhagh; 2000.
13. Molton JH. Ganjineh Moghan. Translated by Ghaderi T. Tehran: Publisher Amir Kabir; 2005.
14. Razi A. Complete history of Iran: From the establishment of the Median dynasty to the extinction of the Qajar dynasty. Tehran: Publisher Eghbal; 2013.
15. Bahar M. Bandheshan. Tehran: Publisher Toos; 1990.
16. Dehala M. Zoroastrian theology from ancient times to the present. Translated by Shahzadi R. Tehran: Publisher ForoHar; 2001.
17. Nadler S. Spinoas heresy: Immortality and the jewish mind. Oxford: Clarendon Press; 2001.
18. Zener S. The beginning and the End of Zoroastrianism. Translated by Ghaderi T. Tehran: Publisher Amir Kabir; 2005.
19. Afifi R. Persian Mythology and Culture. Tehran: Publisher Toos; 1995.
20. Amouzegar. Gh. Rational Mino Translated by Tafazoli A. Tehran: Publisher Toos; 2001.
21. Farahvashi B. Vispard. Tehran: Publisher Donyahye Ketab; 2004.
22. Yarshater E. History of Iran Cambridge. Tehran: Publisher Amir Kabir; 2002.
23. Jalali Moghadam M. Worldview of Zoroaster, the messenger of Iran. Tehran: Publisher Amir Kabir; 2015.
24. Khorshidian A. Worldview of Zoroaster, the Mssenger of Iran. Tehran: Publisher ForoHar; 2007.
25. Mehr F. A New View of the old religion. Tehran: Publisher Jami; 2008.
26. Zhino PH. Man and world in Ancient Iran. Translated by Godarzi L. Tehran: Publisher Mahi; 2011.
27. Tofighi H. Familiarity with major religions. Tehran: World Center for Humanities. 2000.
28. Hoseini H. A Study of Death and Resurrection in Judaism. *Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan* 2011; 2(24): 169-186.
29. Shahangian N. Jewish resurrection. *Quarterly Journal of Religious Thought, Shiraz University* 2010; 1(34): 25-40.
30. Schole GG. Kabbalah. New York: Publisher Library of Jewish Knowledge; 1974.
31. Bowker JW. The meanings of death. London: Cambridge University Press; 1991.